

## رویکرد رسانه‌های عربی به بحران غزه در سال ۲۰۲۳ با تاکید بر الجزیره و العربیه

محمد بهاری<sup>\*۱</sup>

مجتبی زارع اشکذری<sup>۲</sup>

### چکیده:

جنگ غزه که در اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد، به دلیل تلفات انسانی قابل توجه، خسارات گسترده مورد توجه جهانی قرار گرفته است. طبق گزارش‌ها ده‌ها هزار نفر در طول جنگ اسرائیل علیه غزه کشته شده‌اند. خسارات اقتصادی نیز به همان اندازه قابل توجه بوده است. به طوری که خسارات اقتصادی به میلیاردها دلار رسیده و اقتصاد غزه را که از قبل نیز در وضعیت دشواری قرار داشت، بیشتر فلج کرده است. سوال و هدف بنیادین این پژوهش رویکرد رسانه‌ها بخصوص رسانه‌های عربی قدرتمند منطقه یعنی الجزیره و العربیه به بحران غزه در سال ۲۰۲۳ و ادامه این بحران است. با اتخاذ تحلیل محتوا می‌توان گفت که شدت و مقیاس این فاجعه انسانی نیاز به بررسی دقیق‌تر پوشش آن در رسانه‌های بین‌المللی دارد. پوشش جنگ غزه در رسانه‌های جریان اصلی غربی به دلایل مختلف مشکل‌ساز بوده است. بر اساس بررسی موسسه رسانه‌ای الجزیره در ماه ژانویه، عوامل بسیاری مانند روال‌های رسانه‌ای، سیاست‌های سازمانی و سیستم‌های اجتماعی بر پوشش روزنامه‌نگاری این جنگ موثر بوده و بر عمق و غنای روایت‌ها تأثیر گذاشته است. البته باید گفت که رسانه‌های جریان اصلی در رابطه با تولیدات خود در مورد غزه با موانعی از جمله موانع سیاسی، چالش‌های ایدئولوژیک و محدودیت‌های لجستیکی مواجه بوده‌اند. در واقع می‌توان گفت که رسانه‌های خبری الجزیره و العربیه در برخی ابعاد همچون مسایل انسانی، حقوق بشر و حقوق کودک، نقض حقوق بین‌الملل از سوی اسرائیل و لزوم توقف جنگ اتفاق نظر داشتند ولی در برخی موارد همچون آینده حماس، نقش امریکا در رفع بحران، آینده جریان مقاومت، صلح ابراهیم و انفکاک رفتار اسرائیل با نتانیاهو اختلاف رویکرد داشتند.

**واژگان کلیدی:** بحران غزه، حماس، رژیم صهیونیستی، الجزیره، العربیه، رسانه

<sup>۱</sup> - کارشناس ارشد علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران: نویسنده مسئول

M.bahari1370@gmail.com

<sup>۲</sup> - استاد علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۷ - صفحه ۱ تا ۲۳

نظریاتی در زمینه ایجاد تکنولوژی‌های ارتباطی و فرهنگی ارائه شده است. گرچه از همان ابتدا دو نظریه در مقابل یکدیگر قرار گرفتند. نظریه‌ای که معتقد بود، رسانه‌ها برای جامعه مدنی و دموکراسی مفید هستند که این دیدگاه پیش‌تر از طرفداران دموکراسی تاکید شد. اما نظریه عمده، نظریه‌ای بود که از طرف نظریه طرفداران فرانکفورت و یا انتقادی هم‌چون هورکهایمر و آدورنو و مارکوزه مطرح شد که رسانه‌های جدید و به طور کلی تکنولوژی نوین در خدمت قدرت و صاحبان سرمایه و تکنولوژی هستند و تحت عنوان صنعت فرهنگ، از این نظریه یاد می‌شود. براساس این دیدگاه صاحبان تکنولوژی با القاء ایدئولوژی و ارزش‌های خود در جامعه منافع اقتصادی خود را نیز تامین می‌نمایند. در واقع فرهنگ می‌تواند، عنوان عامل ساختاری و زیربنایی و اقتصاد را نیز تحت پوشش خود قرار دهد. ولی با پیشرفت فناوری‌های جدید ارتباطی همه متفکران علوم اجتماعی و فرهنگی به ارائه نظریاتی در این زمینه پرداختند نظریه‌ای که رسانه‌ها تا چه اندازه برای جامعه و دموکراسی مفید هستند و در واقع مستقل از سیاست عمل می‌کنند.

اسرائیل از ژوئن ۱۹۶۷ غزه و کرانه باختری از جمله بیت المقدس شرقی را اشغال کرده است. علیرغم عقب نشینی اسرائیل از غزه در سال ۲۰۰۵، کنترل حریم هوایی و تمام مرزهای زمینی و دریایی خود را به جز مرز ۱۲ کیلومتری با مصر حفظ کرده است. از اوایل دهه ۱۹۹۰، و پس از سال ۲۰۰۷ به شدت تشدید شد، مردم فلسطین در غزه تحت محدودیت‌های طولانی و شدیدی برای رفت و آمد خود قرار گرفتند که در ترکیب با محدودیت‌های شدید در تجارت کالا، در واقع به محاصره مردم پرجمعیت تبدیل شد. ۳۶۵ کیلومتر مربع نوار غزه. علاوه بر این، اسرائیل اجازه ساخت و بهره برداری از بنادر هوایی یا دریایی را نمی‌دهد و واردات نهاده‌های تولید و فناوری حیاتی را ممنوع یا محدود می‌کند. در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، حماس و دیگر گروه‌های مسلح فلسطینی حمله مرگباری را به اسرائیل ترتیب دادند. در این حمله هولناک ۱۲۰۰ نفر کشته شدند، بیش از ۲۰۰ گروگان دستگیر شدند و بیش از ۱۰۰ نفر هنوز ناشناس هستند. نیروهای اسرائیلی در پاسخ حملات هوایی و عملیات زمینی را آغاز کردند. تا آغاز آخرین عملیات نظامی اسرائیل در اکتبر ۲۰۲۳، بسیاری از خسارات ناشی از عملیات نظامی قبلی ترمیم نشده باقی ماند، در حالی که ساکنان غزه در یکی از پرجمعیت‌ترین فضاهای جهان، در شرایط درگیری مزم، محبوس شدند. دسترسی ناکافی به آب تمیز، بدون برق برای نیمی از روز و بدون سیستم فاضلاب مناسب. نزدیک به نیمی از نیروی کار بیکار بودند و دو سوم جمعیت در فقر زندگی می‌کردند. امیره هاس، روزنامه‌نگار اسرائیلی در کتاب خاطره‌انگیز خود،

نوشیدن دریا در غزه، می‌نویسد: «از نظر من، غزه مظهر تمام حماسه درگیری اسرائیل و فلسطین است. این تضاد اصلی دولت اسرائیل را نشان می‌دهد - دموکراسی برای برخی، سلب مالکیت برای برخی دیگر. این عصب آشکار ماست.» درگیری در غزه در یک ماه و نیم گذشته، پس از حملات ۷ اکتبر حماس به شهرها و پایگاه‌های نظامی جنوب اسرائیل، این اعصاب را بیشتر آشکار کرده است. این حملات و انتقام‌جویی‌های وحشیانه اسرائیل به بدترین کابوس‌های ما تبدیل شده است. هزینه‌های انسانی و مادی درگیری با هزاران کودک کشته شده و ویرانی‌های گسترده در غزه، موجی از شوک را در سراسر جهان وارد کرده است و اعتراضات بزرگ جهانی را در مقیاسی برانگیخته است که جهان سال‌ها شاهد آن نبوده است. این درگیری همچنین جنگ روایتی را آغاز کرده است که تنش‌ها را در بسیاری از جوامع به ویژه در غرب تشدید کرده است. روابط بین کشورهای شمال و جنوب جهانی را دوقطبی‌تر کرده، خود را در شکاف‌های داخلی قرار داده و پرسش‌هایی را درباره هنجارهای بین‌المللی ایجاد کرده است. روندهایی مانند رشد جنبش‌های راست افراطی و احساسات ضد مهاجر را تسریع کرده است. برای بررسی پویایی‌های بحث برانگیز موجود، مرکز خاورمیانه مالکوم اچ. کر کارنگی از محققان شبکه کارنگی خواست تا هر یک به یک سوال خاص در مورد غزه مربوط به حوزه تخصصی خود پاسخ دهند. آنچه نمایان می‌شود طیفی از دیدگاه‌ها و ارزیابی‌ها است که فقط مجدداً تأیید می‌کنند که چگونه چیزی که زمانی به نظر می‌رسید یک موضوع تا حد زیادی فراموش شده بود - مناقشه اسرائیل و فلسطین - در واقع ظرفیت بسیج عمیق جمعیت و جوامع در سراسر جهان را حفظ می‌کند. سوال و هدف محوری این پژوهش بررسی تحلیل محتوای رسانه‌های الجزیره و العربیه بعنوان دو رسانه اثرگذار بر جهان اسلام با دو نگرش متفاوت نسبت به بحران غزه از ابعاد مختلف همچون انسانی، نیروهای مقاومت، حقوق بشر، فقدان اثرگذاری پیشنهادات جهانی بر اسرائیل است.

### پیشینه (مطالعات و تحقیقات پیشین)

- الجزیره: داستان داخلی کانال خبری عرب که غرب را به چالش می‌کشد؛ هوگ میلز؛ ۲۰۰۶؛ الجزیره با بیش از پنجاه میلیون بیننده یکی از پربیننده‌ترین شبکه‌های خبری در جهان است. همچنین یکی از بحث برانگیزترین هاست. اکنون، روزنامه‌نگار هیو مایلز، داستان واقعی تاثیرگذارترین رسانه جهان عرب را کشف می‌کند.

- الجزیره و چشم انداز رسانه‌های جهانی؛ تینی فیگنوجسو؛ ۲۰۱۳؛ این کتاب تجزیه و تحلیل می‌کند که چگونه و چرا الجزیره انگلیسی (AJE) به کانال منتخب برای درک اعتراضات گسترده در سراسر جهان عرب در سال ۲۰۱۱ تبدیل شد. با هدف توضیح "لحظه الجزیره"،

مسیر پر دست انداز کانال به سمت شناخت بین‌المللی را به صورت طولی دنبال می‌کند. تحلیل عمیق پروفایل تحریریه و استراتژی‌های کانال. با مطالعه AJE از زمان راه اندازی آن در اواسط نوامبر ۲۰۰۶ تا «بهار عربی»، برنامه و استراتژی‌های جاه طلبانه سرمقاله کانال را توضیح داده و مشکل سازی می‌کند، درگیری‌های داخلی، چالش‌های عملی و پیشرفت‌های جزئی را در سال‌های شکل گیری آن بررسی می‌کند. پدیده الجزیره توجه زیادی را به خود جلب کرده است، اما هنوز مورد تحقیق قرار نگرفته است. رشد تلویزیون‌های ماهواره‌ای فراملی، چشم‌انداز رسانه‌های جهانی را به شبکه‌ای پیچیده از جریان‌های چندصدایی، چند رسانه‌ای و چند جهته تبدیل کرده است.

- منازعه فلسطین و اسرائیل به نگارش تمرا بی‌اور. کتاب منازعه فلسطین و اسرائیل، هشتاد و هشتمین کتاب از مجموعه تاریخ جهان در انتشارات ققنوس است که نگاهی تحلیلی به تاریخ فلسطین و سرگذشت آن دارد و سعی می‌کند ارتباط میان رخداد‌های گذشته بر وضعیت امروز این سرزمین را بررسی کند.

- کتاب غزه در بحران اثر نوام چامسکی؛ کتاب حاضر در حوزه ادبیات مقاومت فلسطین نگاشته شده و دربردارنده مقالات و مصاحبه‌های نوام چامسکی و ایلان پایه در زمینه مناقشه فلسطین و اسرائیل است که با روایت ارائه شده از سوی دولت اسرائیل در این زمینه، تفاوت‌های بسیاری دارد و به مخاطب کمک می‌کند که از منظر تازه‌ای به این موضوع نگاه کند.

- غزه در بحران اثر ایلان پایه؛ نوار غزه کمی بیش از دو درصد کل اراضی فلسطین است اما در اخبار، رسانه‌ها و در یورش‌های بی‌رحمانه اسرائیل به این ناحیه، مانند قتل عام گسترده‌ای که ژانویه ۲۰۰۹ روی داد، و به طور کلی هر جا که نامی از نوار غزه به میان می‌آید، هیچ‌گاه به این نکته‌ی ظریف اشاره نمی‌شود. نوار غزه آن قدر کوچک است که در گذشته هرگز جدای از سایر اراضی فلسطین دیده نمی‌شد. باریکه‌ی غزه به لحاظ موقعیت جغرافیایی بسیار حیاتی و دریچه‌ی دریایی ورود فلسطین به نقاط دیگر جهان بوده و هست، به همین دلیل سبک زندگی در این شهر بسیار منعطف‌تر و جهانی‌تر از دیگر بخش‌های کشور رشد کرد.

کتاب راهنمای روتلج در مورد رسانه‌های عربی؛ نورالدین میلاد. ۲۰۲۱؛ این کتاب راهنما اولین کتاب مرجع جامع به زبان انگلیسی در مورد توسعه رسانه‌های جمعی و اجتماعی در تمام کشورهای عربی را ارائه می‌دهد. این مجموعه با ثبت تحولات تاریخی و جاری در صحنه رسانه، نقش رسانه‌ها را در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی ترسیم می‌کند. مشارکت کنندگان شامل متخصصانی در این زمینه از آمریکای شمالی، اروپا و خاورمیانه هستند.

- رسانه های عربی: قدرت و ضعف؛ کیا حافر. ۲۰۱۹؛ از زمان حوادث ۱۱ سپتامبر، توجه

زیادی از سوی سیاستمداران، کارشناسان و روزنامه نگاران در سراسر جهان به رسانه‌های گروهی عربی معطوف شده است.

### چارچوب مفهومی

جامعه اطلاعاتی، دارای جوانب متعددی است که اندیشمندان با ارایه دیدگاه‌های مثبت و منفی نسبت به آن اظهار نظر نموده‌اند. اندیشمندانی که بر جنبه‌های مثبت جوامع در عصر اطلاعات و ارتباطات می‌پردازند، از دموکراسی و آزادی‌های ارتباطی و اطلاعاتی در جامعه اطلاعاتی سخن می‌گویند. اما اندیشمندانی که به تحولات جاری در جامعه اطلاعاتی بدبینانه می‌نگرند، آن سوی این تحولات را پیدایش نوعی حکومت ناظر بر اعمال و رفتار شهروندان می‌دانند که عملاً آنها را به جامعه‌ای استبدادی از نوع الکترونیکی‌اش پرتاب می‌کند. (مسعودی، ۲۰۰۵) ممکن است که بعضی از متفکران تا حدی در بیان اثرات این نوع از جامعه تندروری کرده باشند، همچنان که امکان دارد برخی نیز با تساهل افزون‌تری به استقبال آن رفته باشند. این گونه تفاوت‌ها درباره جامعه اطلاعاتی شایسته دقت و توجه بیشتری است. زیرا جامعه اطلاعاتی همچنان به عنوان پدیده‌ای در اوان دوران رشد خود به سر می‌برد و به زمان بیشتری برای بروز نتایج و عوارض حاصل از آن نیاز است. اگر این گونه تقسیم‌بندی را منطبق بر واقعیت جامعه اطلاعاتی بدانیم در آن صورت هر یک از دیدگاه‌های مطرح شده قابل تحلیل و بررسی عمیق‌تری است. باید توجه داشت که این رویکردها بخشی از اثرات جامعه اطلاعاتی است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. بر اساس این شیوه نگرش به جامعه اطلاعاتی، دو گونه متفاوت اجتماعی خواهیم داشت.

دیدگاه جامعه نظارت، دیدگاه‌ای انتقادی است. نظریه پردازان ارتباطی بر این باورند که پیوستن شهروندان به شبکه جهانی اطلاعات و ارتباطات سبب ذخیره شدن اطلاعات شهروندان نزد دولت و سازمان‌های صنعتی و خدماتی شده و زمینه سوء استفاده از این اطلاعات را برای آنها فراهم می‌کند. (درودی، خرداد ۱۳۸۸: ۷۹) یکی از اندیشمندان که با نگاه انتقادی به جامعه اطلاعاتی می‌نگرد. یورگن هابرماس است وی با تأکید بر نقش منفی رسانه‌های ارتباطی و کنترل بر فضای اجتماعی، نوبی به انتقاد از این محیط نظارتی می‌پردازد.

علاوه بر یورگن هابرماس، فرانک وبستر و آنتونی گیلدنز نیز در دسته منتقدان قرار دارند. از دیدگاه متفکران بدبین یا انتقادی به جامعه نظارتی، اندیشه و کنترل و نشارت بر شهروندان در اجرای فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی سبب پدید آوردن نوعی قدرت پنهان شده که هرگونه تلاشی را مورد مذاقه قرار داده و احساس عدم امنیت را القا می‌کند. دسترسی به اطلاعات خصوصی افراد و امکان سرقت این اطلاعات سبب ایجاد ناامنی اجتماعی

می‌شود و به تدریج بروز نارضایتی شهروندان را فراهم می‌سازد. ولی در مقابل دیدگاه بدبینان به جامعه اطلاعاتی، اندیشمندانی که با نگاه خویش‌بینانه به آن می‌نگرند، معتقدند که اطلاعات متراکم به تشکیل قدرت‌های تمامیت‌خواه منجر نمی‌شود بلکه به ایجاد و توسعه آزادی‌های مدنی در جامعه یاری می‌رساند. این نتایج در سایه فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی ظهور خواهد کرد و نظارت بیشتر بر جریان اطلاعات به توسعه افزون‌تر در جنبه‌های متعدد حیات جمعی منجر، خواهد شد. اگرچه رشد ناموزون تعداد کاربران اینترنتی در جوامع پیشرفته و جوامع در حال رشد نوعی شکاف دیجیتالی میان صاحبان وسایل الکترونیکی دیجیتالی و فاقد آن در جهان ایجاد کرده است و پر کردن این فاصله و شکاف نیاز به امکانات لازم و فرصت زمانی مناسب وجود دارد، با این همه نظریه‌پردازان خوش بین، افزایش تعداد کاربران اینترنت را در سراسر جهان به فال نیک گرفته و آن را تدارکی برای دموکراسی الکترونیکی. تله دموکراسی و سایبردموکراسی تلقی می‌کنند. (مسعودی، ۲۰۰۵)

در قرن بیستم فرآیندی است که نیروی محرکه خود را از فعالیت مجامع بزرگ ارتباطی کسب کرده است. منشأ این تجمع‌ها را می‌توان، در دگرگونی مطبوعات در قرن نوزدهم جستجو کرد. دگرگونی در مبنای اقتصادی روزنامه‌ها که با ورود روش‌های مدرن تولید تسریع و ترویج یافت، فرآیند دراز مدت انباشت و تمرکز در صنایع رسانه‌ها را به راه انداخت طی قرن بیستم، این فرآیند پیش از پیش منش فرا ملیتی به خود گرفت، (تامپسون، ۱۳۸۰: ۱۹۸) به طور مثال، می‌توان از سازمان خبری روپرت مرداک، که منافع اساسی در چاپ و انتشارات، تلویزیون وضع دارد. نام برد. این سازمان شرکت‌های وابسته‌ای در اروپا، امریکا، استرالیا و آسیا دارد.

مساله اساسی دیگر این است که توسعه فن‌آوری‌ها سه تحول مهم را برای بازار شدن میسر جهانی شدن به خوبی ایفا کرده است، به کارگرفتن سیستم‌های کابلی پیشرفته، پیچیده و گسترده برای ارسال الکترونیکی اطلاعات رمزگذاری شده، استفاده فزاینده از ماهواره‌ها به منظور ارتباط از مسافت‌های دور و اغلب در هماهنگی با سیستم‌های کابلی زمین پایه و در نهایت استفاده فزاینده از روش‌های دیجیتال پردازش، انباشته و بازیافت اطلاعات که موجب افزایش ظرفیت انباشت و ارسال اطلاعات شده است و مساله سوم این که، ویژگی محوری جهانی شدن ارتباطات وجود این حقیقت است که محصولات رسانه‌ای در یک عرصه بین‌المللی گردش و انتشار می‌یابند. مواد رسانه‌ای، ساخته شده در یک کشور نه تنها در بازار داخلی بلکه به شیوه‌ای فزاینده در بازار جهانی نیز توزیع می‌شود. (تامپسون، همان: ۲۰۱) به هر حال این مساله پذیرفته شده است که جریان بین‌المللی محصولات رسانه‌ای فرآیندی ساختار گرفته است که در آن سازمان‌های خاصی دارای نقش مسلط هستند.

## یورگن هابرماس: رسانه و حوزه عمومی

یورگن هابرماس در کتاب دگرگونی ساختاری حوزه عمومی به تبیین پیدایش تاریخی اجتماعی افکار عمومی طبقه متوسط و بورژوا و استقلال نسبی آن از سلطنت مطلقه در اروپای قرون هجدهم و نوزدهم می‌پردازد.

وی حوزه عمومی یا به بیان صحیح‌تر، آن چه «حوزه عمومی بورژوایی در وهله اول قلمرویی بود که در آن افراد خصوصی گردهم می‌آمدند و «عموم» را شکل می‌دادند. آن‌ها به تدریج توانستند حوزه عمومی تحت کنترل دولت را زیر سیطره خود درآورند و اقتدار آن را به چالش بکشند. (هابرماس، ۱۳۸۴: ۵۳)

هابرماس که وارث مکتب فرانکفورت و فلسفه اجتماعی و نظریه انتقادی آن به‌شمار می‌رود، در مواردی نیز متأثر از آموزه‌های مکتب فرانکفورت بوده است. (نوذری، ۱۳۸۶: ۴۵۶) هابرماس در مقابل اعتقاد وبر که کنش معقول و هدفدار یعنی کار را بارزترین و فراگیرترین پدیده بشری دانسته و فعالیت انسان را به کار محض تنزل داده است، کنش ارتباطی یا عمل تفاهمی را مطرح می‌کند. هابرماس در مقابل این اعتقاد وبر اظهار داشت که نوعی از فعالیت انسانی وجود دارد که اساساً از کار ابزاری متمایز است. این فعالیت همان فعالیت است که از طریق آن انسان‌ها تلاش می‌کنند تا با یکدیگر تماس برقرار کرده و همکاری کنند، (ریترز، ۱۳۸۸: ۳۷۹) و هابرماس از آن تحت عنوان کنش ارتباطی یاد می‌کند. این نوع کنش که با هدف رسیدن به تفاهم ارتباطی دنبال می‌شود ناظر به رابطه دوجانبه‌ای است که در آن افراد کنشگر به هیچ‌وجه در فکر موفقیت شخصی خود نبوده بلکه کنشگران از یکدیگر توقع دارند که اغراض و افعال متفاوت‌شان را از طریق اجتماعی که محصول ارتباط و مفاهمه است هماهنگ کنند و اساساً تلاش برای رسیدن به توافق و درک متقابل است و بنا به گفته هابرماس افراد در وهله اول به‌سوی موفقیت‌های فردی خود سمت‌گیری نکرده بلکه هدف‌های خود را تحت شرایطی دنبال می‌کنند که بتوانند نقشه‌های کنش خود را بر مبنای تعاریف مشترک از وضعیت هماهنگ کنند. هابرماس میان عقلانیت کنش هدفدار (عقلانیت ابزاری) و عقلانیت کنش ارتباطی (عقلانیت ارتباطی) تمایز قائل شده و عقلانیت کنش ارتباطی را راه‌حل مسأله عقلانیت کنش معقول و هدفدار قلمداد می‌کند. (هابرماس، ۱۳۸۴: ۳۹۰)

رسانه‌های جدید، اطلاعات سیاسی اساساً در حوزه رسانه‌ها فراچنگ می‌آید. بیرون از دنیای رسانه‌ها فقط حاشیه‌های سیاسی را می‌توان یافت. آنچه در این حوزه تحت سیطره رسانه‌ها رخ می‌دهد توسط خود رسانه‌ها تأمین نمی‌شود بلکه فرایند سیاسی اجتماعی باز و بدون قطعیتی در جریان است. اما منطق و سازمان رسانه‌های الکترونیک چارچوب‌ها و ساختارهای سیاست را ایجاد می‌کنند.

رسانه‌ها به منزله فضای سیاست در عصر اطلاعات؛ در جوامع معاصر مردم اساساً از طریق رسانه‌ها بخصوص تلویزیون، اطلاعات کسب می‌کنند و عقیده سیاسی خود را شکل می‌دهند. بنابراین مواضع سیاسی متضاد که به شکل احزاب و نامزدهای آنها متجلی می‌شود برای اثرگذاری بر ذهن و اراده مردم از رسانه‌ها استفاده می‌کنند که ابزار اساسی آنها در ایجاد ارتباط تاثیر و ترغیب است. بدین ترتیب مادامی که رسانه‌ها نسبتاً مستقل از قدرت سیاسی باشند کنشگران سیاسی مجبورند با قواعد، تکنولوژی و منافع رسانه‌ها کنار بیایند. رسانه‌ها چارچوب سیاست هستند. علاوه بر این در دنیایی که بطور فزاینده از اطلاعات اشباع می‌شود، پیام‌ها هرچه ساده و دوپهلوتر باشند، موثرترند. زیرا بدین سان اجازه اظهار وجود به افکار و احساسات مردم می‌دهند. تصاویر بهتر از بقیه انواع پیام‌ها با توصیف‌ها سازگارند. رسانه‌های سمعی بصری مهمترین تغذیه کنندگان ذهن مردم هستند.

### رویکرد الجزیره و العربیه به بحران غزه در سال ۲۰۲۳

با تشدید درگیری‌ها در نوار غزه، برخی تحلیلگران با اشاره به اختلافات درونی جهان اعراب در مناقشه اسرائیل و فلسطین، باور دارند که برخلاف ۷۵ سال گذشته، امروزه مسأله آرمان فلسطین جای خود را به برنامه‌ها و اهداف شخصی کشورهای منطقه داده و همین موضوع باعث شده که عرب‌ها نتوانند موضعی واحد در برابر اسرائیل اتخاذ کنند. ۵۰ سال و یک روز پیش از حمله ۷ اکتبر حماس موسوم به توفان الاقصی، جنگ یوم کیپور علیه اسرائیل آغاز شد. مانند جنگ کنونی غزه، یوم کیپور با حمله‌ای غافلگیرکننده کلید خورد؛ اما برخلاف جنگ حاضر، جهان عرب در جنگ یوم کیپور به‌طور متحد در برابر اسرائیل ایستاده و علاوه بر اعزام نیرو به مصر و سوریه برای حمایت از نبرد آنها علیه اسرائیل، از نفت به عنوان اهرم فشاری علیه غرب و دشمن اسرائیلی خود استفاده کردند. امروزه پویایی منطقه بسیار متفاوت و پیچیده‌تر است. جهان عرب علیه اسرائیل متحد نبوده و دچار اختلافات بارزی است. حتی پیش از حمله ۷ اکتبر حماس، برخی از کشورهای عربی روابط کاملی با اسرائیل برقرار کرده و برخی نیز مانند عربستان سعودی، در مسیر عادی‌سازی قرار داشتند.

### آشکار شدن اختلافات

به نوشته فارن افرز، چند دهه پیش، مصر و اردن با اسرائیل قرارداد صلح امضا کرده و امروزه نیز در مسائل امنیتی به همکاری با اسرائیل ادامه می‌دهند. همچنین امارات متحده عربی در سال ۲۰۲۰ طی توافقنامه ابراهیم توانست روابط دیپلماتیک خود با اسرائیل را عادی کند. حتی پیش از حمله حماس، عربستان سعودی و اسرائیل با حمایت واشنگتن در حال نهایی کردن توافق عادی‌سازی روابط بودند. قطر با حفظ موضع آمادگی خود برای برقراری ارتباط با همه طرف‌ها،

روابط خود با اسرائیل را غیررسمی نگه داشت و در عین حال، میزبان رهبری سیاسی حماس در دوحه بود. اگرچه این کشورها از بابت تنش فزاینده بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها ناامید بودند، اما هیچ یک انتظار نداشتند که این وضعیت بتواند به چنین جنگی تبدیل شود. با تصور اینکه نزاع اسرائیل و فلسطین مهار شده است، آنها بیشتر بر اهداف سیاسی و اقتصادی خود تمرکز کرده بودند که اغلب به معنای تعامل با اسرائیل بود. اما حمله اسرائیل به غزه که به گفته مقامات بهداشتی حماس منجر به کشته شدن حدود ۱۸ هزار نفر شده است، روابط جهان عرب و اسرائیل را یک‌شبه تغییر داد. اکنون کشورهای عربی به سمت اتخاذ موضعی واحد در مورد جنگ اسرائیل هستند. در زمان حمله اسرائیل به اردوگاه آوارگان جبالییا، واکنش مصر، اردن، قطر، عربستان سعودی و امارات تقریباً یکسان بود و همه شدیداً این حمله را محکوم کرده و خواستار آتش‌بس شدند. به نوشته فارن افروز، البته این اتحاد ظاهری ممکن است این واقعیت را بپوشاند که رویکرد هر کشور عربی به جنگ اسرائیل، در درجه اول ناشی از اولویت‌های آنهاست. این امر به ویژه در مورد پنج قدرت عربی بزرگ یعنی مصر، اردن، قطر، عربستان سعودی و امارات صدق می‌کند.

به ادعای ناظران، با ادامه جنگ غزه، بازیگران عرب از اهرم دیپلماتیک خود برای هدایت درگیری به نفع خود و دستیابی به اولویت‌هایشان استفاده می‌کنند. با این حال، اگر آنها می‌توانستند رویکردهای خود را هماهنگ کنند، شانس بیشتری برای دستیابی به نتیجه‌ای که به نفع همه باشد، خواهند داشت. دستیابی به صلح اسرائیل و فلسطین و تعیین استراتژی واحد در برابر ایران، خشم زیادی در جهان عرب متوجه اسرائیل است. از همین رو، بازیگران عربی خود را در موقعیت دشواری یافته‌اند؛ زیرا آنها باید مردم خود را آرام نگه داشته و از منافع اقتصادی و دیپلماتیک‌شان با اسرائیل محافظت کنند. آنها تلاش می‌کنند تا در عرصه جهانی، در قامت منادیان صلح عرض‌انداز کرده تا به مردم خود نشان دهند که به مساله فلسطین اهمیت داده و بدین ترتیب، اعتراضاتی که می‌تواند از کنترل خارج شود را متوقف کنند.

## رویکرد رسانه‌های عربی به بحران غزه

### آرمان فلسطین

کشورهای عربی بویژه حوزه خلیج فارس از اینکه موضوع فلسطین مجدداً تبدیل به مسئله اصلی جهان اسلام و دنیای عرب شد واقعا غافلگیر شدند. به گمان آنها و با اقدامات و سرمایه گذاری‌های سیاسی- بین‌المللی، اقتصادی و ... که کرده بودند، شاید هرگز در تصورشان هم نمی‌آمد که فلسطین و اشغالگری اسرائیل مجدداً تبدیل به موضوع روز دنیا شود. فکر می‌کردند که فعلاً فلسطینی‌ها دولت خودگردان دارند بخشی در کرانه باختری و بخشی در نوار غزه هستند و

با اسرائیل در حال کنار آمدن هستند. سالها با وعده و وعیدهای مختلف اقتصادی و سیاسی و ... تلاش کرده بودند فلسطینی‌ها را با شرایط کنونی راضی نگهدارند و موجودیت رژیم اسرائیل را به آنها بقبولانند (تحمیل کنند). و یا یک جریان فرسایشی ایجاد کنند که بتدریج یا تبدیل به موضوعی فرعی شود و یا بکلی از دستور کار خارج گردد. البته برخی تحولات هم به این قضیه کمک کرد. پس از بهار عربی موضوع فلسطین تقریباً اهمیت خود را از دست داد و کشورهای عربی به تدریج یکی پس از دیگری وارد روابط پنهان و آشکار سیاسی و اقتصادی و امنیتی با اسرائیل شدند. اما عملیات طوفان الاقصی این کوشش‌ها را بی‌اثر کرد و ثابت شد که فلسطین و ملت فلسطین زنده‌اند و قابل حذف نیستند. ثابت شد که بدون حل و فصل قضیه فلسطین هیچ مسئله مهم دیگری در خاورمیانه قابل حل و فصل نیست.

### غافلگیری اطلاعاتی - امنیتی

دولت‌های عرب منطقه و خصوصاً کشورهای عربی که مسیر عادی سازی را طی کرده بودند و به روابط رسمی رسیده‌اند. (بحرین و امارات) و چه آنهایی که در این مسیر قرار دارند. (عربستان و ...) از شکست اطلاعاتی - امنیتی، نظامی اسرائیل به شدت غافلگیر شدند. فکر نمی‌کردند که اسرائیل تا این حد از ضعف امنیتی و اطلاعاتی ضربه پذیر باشد. آنها به کشوری که برخی به تأمین امنیت از آن دل بسته بودند، بی‌اعتماد شدند. فکر نمی‌کردند که اسرائیل از جریانی که در کنار آنها زندگی می‌کند، سرزمین‌شان در محاصره است، تمامی رفت و آمدهایشان کنترل می‌شود. تمامی تحرکاتشان رصد و پالایش می‌شود، چنین شکست بزرگ و مفتضحانه - ای را متحمل شود. بنظر می‌رسد کشورهای منطقه از این پس در محاسبه‌هایشان در خصوص توان اطلاعاتی - امنیتی اسرائیل باید به‌نوعی تجدید نظر کنند.

### آثار سیاسی - امنیتی منطقه‌ای

توقف و یا کند شدن روند عادی سازی روابط کشورهای منطقه با اسرائیل: تحرکات عادی - سازی روابط اسرائیل با کشورهای منطقه اگر نگوئیم متوقف شده، می‌شود ادعا کرد که در حال حاضر بسیار کند شده و اقدام در خصوص آنها از موضوعیت خارج شده و دچار مشکلات اساسی است. هزینه‌های عادی سازی روابط با اسرائیل نیز بسیار بالا رفته است، چرا که اولاً با مخالفت افکار عمومی مواجه است و هم شرایط منطقه‌ای برای چنین اقدامی مناسب نیست و فعلاً تا زمانی که آثار و تبعات طوفان الاقصی وجود دارد، امکان اجرایی پیدا نخواهد کرد. امنیت منطقه که می‌رفت با طرح شکل‌گیری یک نظام امنیتی بین اسرائیل و این کشورها (هم به صورت جداگانه و هم در قالب شورای همکاری) مورد توجه و پیگیری قرار بگیرد، طبعاً از دستور کار خارج خواهد شد.

## بزرگنمایی مواضع

با وقوع عملیات طوفان الاقصی و تحولات سیاسی و بین‌المللی، کشورهای عرب منطقه همراه با سایر دولت‌ها مواضع خود را هم در چارچوب کشوری و هم در چارچوب شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب، سازمان همکاری‌های اسلامی و کمیته منبعث از اجلاس سران عرب و اسلامی، در قالب‌های مختلف (صدور بیانیه، مصاحبه، اعلام مواضع رسمی، بیانیه‌های پایانی اجلاس سران) اعلام کردند.

عناصر مشترک این مواضع به شرح ذیل است:

- محکومیت حملات اسرائیل به غزه، (در قالب شورا)
- ایستادگی در کنار ملت فلسطین
- خواستار خویشتنداری طرفین؛
- درخواست توقف فوری تنش‌ها؛
- ضرورت حفظ جان غیر نظامیان؛
- درخواست از جامعه جهانی برای اجرای مسئولیت خود در توقف درگیری‌ها؛
- درخواست از مجامع بین‌المللی برای پیگیری روند صلح؛
- محکومیت حمله زمینی اسرائیل به غزه؛
- واکنش‌های متفاوت برخی کشورها
- اقدام حماس بعنوان اقدامی وحشیانه، بربری و شنیع؛
- ابراز همدردی با اسرائیل؛
- درخواست تشکیل جلسه شورای امنیت؛
- اسرائیل بعنوان مسئول اصلی تنش اخیر؛
- محکومیت کوچ اجباری ساکنین غزه بعنوان جنایت جنگی؛
- درخواست محاکمه سران صهیونیستی بدلیل ارتکاب جنایات جنگی،
- ارسال کمک‌های امدادی و انسان دوستانه؛
- مخالفت با تحریم نفتی؛
- درخواست فوری توقف جنگ
- مخالفت با توجیهات اسرائیل در حمله به غزه بعنوان دفاع از خود
- محکومیت حمله به زیرساخت‌های غزه
- تأکید بر محوریت قضیه فلسطین و پایان اشغالگری اسرائیل
- حمایت از حاکمیت ملت فلسطین بر تمامی اراضی اشغالی

بررسی مواضع اعلامی کشورهای عرب منطقه در قبال این رویداد مهم، نشان می دهد که هر یک از این دولت‌ها بنا به منافع و مصالح ملی، ملاحظات منطقه‌ای و بین‌المللی، و در چارچوب روند مناسبات با رژیم اسرائیل اعلام موضع کرده‌اند. مواضع این کشورها فاقد یکپارچگی، هم‌پوشانی و یکسانی در قبال این تحول است. (کمالیان ihcs.ac.ir ۱۴۰۲/۹/۲۸)

### رویکردها

با توجه به مجموعه مواضع سیاسی و واکنش‌های دیپلماتیک و تحرکات سیاسی کشورهای عربی منطقه که با مجریان مختلف از این کشورها صورت گرفته، رویکردهای ذیل قابل توجه است و تقدم و تأخر آنها ملاک اهمیت بیشتر یا کمتر نیست.

#### ۱- رویکرد «حمایت موقتی از فلسطین»

روند سازش در منطقه از سال‌ها قبل شروع شده است. برخی از این کشورها هم اکنون بصورت رسمی و آشکار با اسرائیل رابطه سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اطلاعاتی برقرار کرده‌اند. برخی حتی با نداشتن روابط، سال‌هاست با یکدیگر در زمینه‌های مختلف همکاری دارند. به هر حال در برقراری مناسبات با اسرائیل، فلسطین، اشغالگری اسرائیل، رنج و مصیبت مردم و ... مانع مناسبات و یا مورد تحفظشان نبوده و نیست؛ موضوع فلسطین، برای کشورهای منطقه مدتهاست که فراموش شده، یا به موضوعی درجه چندم تبدیل شده است. اما در شرایط کنونی و علیرغم این روابط، حاضر به پذیرش برچسب همراهی و حمایت از اسرائیل نیستند. مایلند همچنان خود را در صف حامیان فلسطین قرار دهند. بنابر این در مواضع کشورهای منطقه خلیج فارس شاهد عباراتی در حمایت از فلسطین و محکومیت جنایات صهیونیست‌ها و ... می‌باشیم. این رویکرد در اغلب مواضع کشورها قابل مشاهده است. (کمالیان ihcs.ac.ir ۱۴۰۲/۹/۲۸)

#### ۲- رویکرد تلاش برای عدم گسترش درگیری‌ها

این امر تقریباً خواست همه طرف‌های درگیر بوده و هست. در منطقه خلیج فارس، همه کشورها بدلیل نگرانی از آثار گسترش درگیری‌ها و آسیب‌پذیری آنان در مقابل حوادث امنیتی، بدنبال کنترل و عدم گسترش درگیری‌های غزه هستند. این راهبرد عام، در مجموعه فعالیت‌ها و موضع‌گیری‌های مقامات خلیج فارس بعنوان موضوعی مهم همواره مورد تاکید و پیگیری بوده است. این تلاش‌ها علاوه بر خواباندن آتش جنگ و درگیری‌ها و دستیابی به آتش‌بس فوری، کمک‌های انسان دوستانه را نیز دنبال می‌کند. قابل ذکر اینکه حل و فصل موضوع فلسطین در این رویکرد دیده نمی‌شود و هیچ گونه طرح و برنامه مشخصی نیز در این زمینه در دستور کار این کشورها نیست.

### ۳- رویکرد «حفظ و جلوگیری از آسیب دیدن روند عادی سازی روابط با اسرائیل»

تمامی کشورهای منطقه (به استثنا کویت) رسمی یا غیر رسمی با رژیم اسرائیل رابطه پنهان و آشکار دارند. شرایط کنونی این مناسبات، حاصل یک پروسه طولانی است که سرمایه گذاری‌های سیاسی، بین‌المللی زیادی بر روی آن صورت گرفته که در آن؛ این کشورها از انکار و یا خصومت با اسرائیل به همکاری و شناسایی با این رژیم رسیده‌اند. برخی دیگر مانند عربستان در آستانه برقراری این روابط‌اند، که ناظرین سیاسی آن را قریب الوقوع می‌دانستند. برخی اخبار حاکی از قبول شروط ۴گانه عربستان برای این اقدام از سوی آمریکا بود. حتی اظهارات مقامات سعودی از جمله ولیعهد، وزیر خارجه، مشاور امنیت ملی، همه دال بر رسیدن به انتهای این مسیر را داشت که عملیات طوفان الاقصی آن را عقیم گذاشت.

امارات در سال ۱۳۹۹ و پس از آن بحرین در قالب طرح ابراهیم روابط رسمی خود را با اسرائیل برقرار کردند و طی همین مدت کوتاه سطح همکاری‌هایشان به امور نظامی و اطلاعاتی ارتقاء یافته است. روابط قطر و عمان با رژیم اسرائیل یک بستر تاریخی دارد. علیرغم مواضع اخیر این کشورها در خصوص محکومیت اسرائیل بدلیل حملات در غزه، هیچ‌گونه شواهدی از اینکه عربستان از این پروسه عقب نشسته است دیده نمی‌شود. (کمالیان ۱۴۰۲/۹/۲۸ ihcs.ac.ir)

امارات کماکان روابطش را حفظ کرده و رئیس اسرائیل در کنفرانس آب و هوا حاضر شده است.

مجلس بحرین (نه دولت این کشور) خواستار قطع روابط اقتصادی با اسرائیل و فراخوانی سفیر شده که معلوم نیست اجرایی شود.

عمانی‌ها و قطری‌ها کماکان در چارچوب‌های گذشته خود با اسرائیل مرادوات متعدد دارند. در مجموع تحرکات و اقدامات و رفتار سیاسی این کشورها در خصوص رژیم اسرائیل نشان می‌دهد که رویکرد «حفظ روابط و جلوگیری از آسیب به مناسبات با اسرائیل و روند عادی سازی» کماکان در دستور کار کشورهای منطقه قرار دارد.

### ۴- جهت‌گیری فعالیت‌های سیاسی از جمله کمیته منبعث از اجلاس سران اسلامی و عربی در راستای سیاست‌های آمریکا در منطقه

اگرچه با توجه به اختلافات موجود در اجلاس سران انتظار و توقع خاصی از این کمیته نمی‌رفت، اما در عین حال عربستان بعنوان ریاست این کمیته تلاش داشت تا تحرکات این کمیته را در چند جهت مدیریت کند.

رویکرد این کمیته و تحرکات سیاسی آن بگونه‌ای باشد که در تعارض با جهت‌گیری‌های کلی آمریکا در منطقه در خصوص موضوع فلسطین قرار نگیرد. این کمیته پس از برخی

دیدارها و ملاقات با سران برخی کشورها، تحرک دیگری نداشته و اقدامات آن دستاورد مشخصی را ببار نیاورد و تقریباً ناکام ماند بگونه‌ای که این روزها حتی خبری از نتایج آن و دستاوردهای این کمیته در اخبار مشاهده نمی‌شود.

البته عربستان تلاش داشت تا از طریق این کمیته موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی خود را نیز ارتقاء دهد که توفیق چندانی نیافت. (خصوصاً با توجه به رقابت‌های منطقه‌ای موجود این موضوع اهمیت داشت.) فعالیت دیگر کشورها نیز راه به جایی نبرد، اقدام امارات در شورای امنیت از طرف آمریکا وتو شد. در برآوردی کلی می‌توان گفت کشورهای منطقه به جز قطر و تا حدودی امارات و عربستان جایی در این پروسه نداشتند.

#### ۵- «تلاش برای اقناع آمریکا در کنترل اسرائیل در غزه»

اعراب منطقه با توجه به مجموعه مشکلات و آثار و پی آمدهای اوضاع غزه و ادامه درگیری‌ها و مباران‌های وحشیانه تلاش داشتند تا بنوعی آمریکا را وادار به فشار به اسرائیل برای توقف این اقدامات جنایتکارانه بنمایند.

درخواست از آمریکا در این خصوص بارها با ادبیات مختلف از سوی مقامات سیاسی منطقه بعنوان یک توقع و انتظار طبیعی در مناسبت‌های مختلف مطرح شد. اما آمریکا در این زمینه اقدامی نکرد و اظهارات وزیر خارجه آمریکا همچنان در مقابل اقدامات سبعانه اسرائیل یا سکوت و یا تایید آن با الفاظ دیپلماتیک بوده است.

#### ۶- محکومیت حماس و جلوگیری از قدرت‌گیری گروه‌های جهادی

این امر رویکردی بود که در تحرکات سیاسی برخی از کشورهای منطقه خلیج فارس دنبال می‌شد. برخی از این کشورها ( بصورت علنی و رسمی) اقدام حماس را وحشیانه و شنیع توصیف کردند.

برخی اخبار و گزارشات دال بر رضایت برخی از کشورها در نابودی حماس است. تلاش سیاسیون و مقامات منطقه در عین توجه به اوضاع غزه، این بود که مجموعه فعالیت‌های آنان موجب تقویت حماس و سایر گروه‌های جهادی نگردد. در هیچ یک از بیانیه‌های صادره در له و علیه تحولات غزه از این گروه‌ها عمداً نامی برده نشده است. بسیاری از گزارشات حاکی است که در پنهان، سیاست حذف حماس در دستور کار است.

۷- برخی رویکردها دیگر نیز با درجه اهمیت کمتری مورد توجه مقامات سیاسی منطقه قرار داشت که اهم آنها به قرار ذیل است.

توجه به تشکیلات خودگردان بعنوان نماینده واقعی ملت فلسطین  
پیگیری طرح دو دولتی بعنوان راه حل مناسب.

تلاش در جهت کنترل افکار عمومی نیز از دیگر رویکردهایی بود که کشورهای عرب منطقه خلیج فارس آن را در مراودات سیاسی خود و تحرکات دیپلماتیک و مذاکرات با دیگر طرف‌ها مورد توجه و نظر داشته‌اند.

اگر چه این رویکردها در مجموعه اقدامات سیاسی کشورهای عرب خلیج فارس صورت می‌گرفت اما برخی از آنها مورد توجه بیشتر برخی از اعضا بود. رویکرد حمایت موقتی از فلسطین یک رویکرد عام بود که تقریباً تمامی کشورهای منطقه را شامل می‌شد. رویکرد حفظ مناسبات با اسرائیل و عدم قدرت‌گیری حماس و یا حفظ موقعیت تشکیلات خودگردان بیشتر توسط امارات و بحرین مورد توجه بود. اگر چه عربستان هم با توجه به شرایط قبل از طوفان الاقصی، در مقابل خبرهایی مبنی بر توقف روند عادی سازی روابط با اسرائیل سکوت اختیار کرد. عربستان با تحرکات خود در قالب کشوری و یا بعنوان ریاست کمیته منبعث از اجلاس سران، کنترل اوضاع و جلوگیری از گسترش تنش‌ها و موضوع کمک‌های انسان دوستانه را بیش از دیگر موارد دنبال می‌کرد. کویت در این میان شدیدترین مواضع را علیه اسرائیل داشت و جزو معدود کشورهایی بود که در آن تظاهرات مردمی در حمایت از مردم غزه برگزار شد و مقامات رسمی خواستار محاکمه سران اسرائیل به جرم جنایات جنگی بودند. عمان نیز رویکرد آرام و همیشگی خود را دنبال کرد و تلاش داشت تا چهره این کشور بعنوان یک میانجی و تسهیلگر لطمه نبیند. عمان از جمله کشورهایی بود که رویکرد حفظ مناسبات دیرینه با اسرائیل را همچنان در سیاست خود مد نظر داشت.

### نقش رسانه‌ها در پوشش خبری بحران غزه

رسانه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، با پوشش گسترده اخبار مربوط به بحران غزه، تأثیر بسزایی در آگاهی‌رسانی عمومی داشتند. این پوشش خبری شامل گزارش‌های زنده، مصاحبه با شاهدان عینی، تحلیل‌های کارشناسی و انتشار تصاویر و ویدیوهایی از وقایع بود. اما این روند همواره با چالش‌هایی همراه بوده است:

#### الف) چالش‌های بی‌طرفی و صداقت

یکی از مسائل اصلی در پوشش خبری بحران غزه، موضوع بی‌طرفی رسانه بود. بسیاری از رسانه‌ها، بسته به سیاست‌ها و منافع دولت‌های حامی یا مخالف خود، رویکردهای متفاوتی را در ارائه اطلاعات اتخاذ می‌کنند. به‌عنوان مثال، برخی رسانه‌های غربی ممکن است تمایل داشته باشند روایت اسرائیل از وقایع را برجسته کنند، در حالی که رسانه‌های منطقه‌ای نظیر الجزیره، بیشتر به انعکاس پیامدهای انسانی حملات اسرائیل بر فلسطینی‌ها می‌پردازند.

#### ب) استفاده از تکنولوژی‌های نوین

رسانه‌های اجتماعی نظیر توئیتر، اینستاگرام و یوتیوب، نقش بسزایی در گسترش اطلاعات

درباره بحران غزه ایفا کردند. این پلتفرم‌ها، با فراهم کردن بستری برای انتشار محتوای کاربرمحور، به افراد عادی این امکان را داده است تا روایت‌های خود را به اشتراک بگذارند. این موضوع باعث شد تا تصویر چندبعدی‌تری از بحران غزه ارائه شود.

### تأثیر رسانه‌ها بر افکار عمومی جهانی

رسانه‌ها توانسته‌اند به شکل‌گیری دیدگاه‌های مختلف در سطح جهانی درباره بحران غزه کمک کنند. این تأثیرات شامل جنبه‌های مثبت و منفی است:

#### الف) همدلی با قربانیان

تصاویر دل‌خراش کودکان کشته‌شده، تخریب منازل و آوارگی مردم غزه، احساس همدلی گسترده‌ای را در میان افکار عمومی جهانی ایجاد کرد. بسیاری از سازمان‌های حقوق بشری و افراد مشهور، با استفاده از رسانه‌ها، پیام‌های حمایت خود از مردم غزه را منتشر کردند.

#### ب) قطب‌بندی سیاسی و اجتماعی

برخی رسانه‌ها به‌جای کاهش تنش‌ها، باعث افزایش قطب‌بندی سیاسی و اجتماعی می‌شوند. این دسته از رسانه‌ها که مستقیماً تحت تسلط رژیم صهیونیستی و حامیان آن‌ها هستند همواره سعی در تفرقه‌اندازی بین گروه‌های طرفدار آزادی فلسطین و تشکیک افکار عمومی هستند و با ایجاد شباهت یا ارائه تحلیل‌های غلط سعی در ایفای نقش خود می‌کنند.

### رویکرد الجزیره قطر

این شبکه تلویزیونی که مرکز آن در شهر دوحه در کشور قطر قرار دارد با پخش فیلم‌های سخنرانی اسامه بن‌لادن، پس از واقعه تروریستی یازده سپتامبر برای اولین بار در غرب به شهرت رسید. این کشور ذره‌بینی در نقشه در دنیای مدرن در راستای منافع به نقطه قابل ملاحظه رسیده به طوری که در سال ۲۰۰۴ سایت الجزیره پنجمین برند رسانه‌ای است که بیشترین تأثیر را در جهان گذاشته است. مشاهده شد که شبکه الجزیره در انعکاس جنگ نا برابر غزه، اساساً در اخبار و گزارش‌هایی که برای افکار عمومی دنیا ارسال می‌کند با معانی ایدئولوژیکی سرو کار دارد. ایدئولوژی، مجموعه باورها و اندیشه‌های ایستای سیاسی و اجتماعی از آن جمله نظام‌های فکری، فلسفی و مذهب که فرد، گروه یا جامعه دارد و در تعیین خط مشی، عمل یا موضع‌گیری معتقدان به آن‌ها در مسائل سیاسی اجتماعی مؤثر است. ایدئولوژی به معنی آسان‌تر یعنی طرز فکر است. در این پژوهش مشخص شد ساخت‌ها در اخبار و تصاویر جنگ غزه چگونه خود را نشان داده و چگونه بازنمایی شده‌اند و بررسی شد کدام مفاهیم ایدئولوژیکی در مولفه‌های گفتمانی مورد توجه الجزیره بوده است. یوهان گالتونگ، در نظریه «ساختاری امپریالیسم» که جنبه‌های وابستگی را بر می‌شمارد، معتقد است امپریالیسم ارتباطی که یکی از

انواع وابستگی‌هاست او کشورهای جهان را به دو دسته «کشورهای شمال» و «کشورهای جنوب» تقسیم می‌کند. تحریف اخبار، دادن آگاهی‌های نادرست و غیر واقعی و جهت‌دهی به اخبار، شگردهای مهمی است که در این نظریه پذیرفته می‌شود. در این پژوهش با اتکا به زبان‌شناسی درون متن اخبار تلاش شده در تحلیل گفتمان، مفهوم سلطه، هژمونی مفهوم ایدئولوژی، مفهوم نژاد، نهاد و ساختار که به صورت پنهانی در شکل دهی افکار عمومی نقش داشته از دل اخبار شبکه الجزیره بیرون کشیده شود. (رضوی، urd.ac.i)

### رویکرد العربیه

با تضعیف موقعیت مصر در دنیای عرب به ویژه پس از بهار عربی و بازگشت مجدداً نظامیان بقدرت توسط السیسی که با مساعدت مالی عربستان صورت گرفت، عربستان تلاش نموده با تکیه بر قدرت مالی (پتر و دلار) و خریدهای کلان نظامی از طریق روابط و پیوندهای سیاسی با غرب به ویژه آمریکا در دهه‌های اخیر رهبری اعراب سنی در منطقه را برعهده داشته باشد. جاه‌طلبی‌های سیاسی و نظامی حاکم جوان سیاسی سعودی باعث شد سعودی‌ها با ائتلاف‌سازی گسترده در قالب عربی- غربی و عربی- عربی تلاش برای گسترش نفوذ خود را دوچندان و نیز مقابله با ایران و نیروهای نیابتی آن (محور مقاومت) به شکل عملی پیگیری کنند. در این مسیر عربستان سعودی با دیپلماسی پنهان همکاری در حوزه امنیتی و اطلاعاتی با اسرائیلی‌ها داشته و دارند که مقابله با تهدیدات ایران در منطقه عنوان شده است. از سوی دیگر عربستان بدلیل واقع شدن امکان مقدسه اسلامی (مکه و مدینه...) در این کشور تلاش کرده از طریق برگزاری مراسم حج نفوذ معنوی خویش را در دنیای اسلام گسترش بدهد. لذا مسئله فلسطین در سیاست خارجی این کشور از اولویت خاصی برخوردار بوده است. سعودی‌ها از سال ۱۹۹۰ براساس پیشنهاد صلح طائف بدنبال اجرایی قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و طرح تشکیل دولت بوده و هستند و عدم تشکیل دولت فلسطینی را عامل تطویل بحران در منطقه اعلام می‌کنند. با این وجود، عربستان در منازعه داخلی فلسطینیان بیشتر از محمود و تشکیلات خودگردان حمایت می‌کنند. بنابراین حماس همواره بدلیل نزدیکی به اخوان المسلمین و ارتباط با ایران مورد مذمت سعودی‌ها قرار گرفته است در جنگ اخیر نیز سعودی‌ها به رغم رایزنی گسترده موضع قاطعی در محکومیت اقدامات ارتش اسرائیل در بمباران و حملات زمینی اتخاذ نکردند. به نظر می‌رسد سعودی‌ها علاقمند در گام نخست این جنگ محدود و کنترل گردد در ضمن با تضعیف قدرت حماس در نوار غزه شرایط تازه‌ای برای تقویت بیشتر تشکیلات خودگردان فراهم گردد. تشکیلات خودگردانی که به رهبری محمد عباس پس از دیدار چندین مقام اروپایی و آمریکایی خود را در موضع بالاتری می‌بینند و رئیس تشکیلات خودگردان اعلام کرده که حماس مردم فلسطین را نمایندگی نمی‌کند با این وجود،

طولانی شدن جنگ و ادامه کشتار مردم فلسطین ممکن است سعودی‌ها را نیز وادار به واکنش جدی‌تری سازد. تعلیق عادی سازی روابط با اسرائیل و نیز دور شدن از مدار منافع غرب به ویژه آمریکا از نتایج آن خواهد بود. برعکس مصر و عربستان سعودی که رویکرد منفعلانه در قبال جنگ اخیر در نواز غزه پیش گرفتند. قطری‌ها بدلیل حس همبستگی با حماس آنهم پیوندهای ایدئولوژیکی (تعلق به اخوان المسلمین) و داشتن برخی اختلافات سیاسی با عربستان کاملاً در کنار حماس و نیروهای جهاد اسلامی قرار گرفتند. قطر در دنیای عرب بدلیل ذخایر عظیم گاز و نفت و سرمایه‌گذار کلان در صنایع کشورهای پیشرفته غربی از موقعیت ممتازی برخوردار بوده است و در کنار ترکیه همواره رهبری جماعت اخوان المسلمین در دنیای اسلام برعهده داشته و دارد. پشتیبانی مالی از حماس و بکارگیری قدرت نرم رسانه‌ای خود (از طریق شبکه الجزیره) برای این گروه در منطقه نشان از پیوند عمیق قطر با حماسی‌هاست. از آغاز این جنگ قطر با بکارگیری هنر دیپلماسی در منطقه و مذاکره با قدرت تاثیرگذار، شرایط برای برقراری آتش‌بس و تبادل اسراء میان طرفین برقرار سازد. در این میان، پذیرای مقامات اروپایی و آمریکایی در چندین دور و نیز مذاکره با وزیر امور خارجه ایران بوده است. موقعیتی که ترکیه نیز از آن خبردار است و تلاش دارد در قالب ائتلاف جدید از گسترش جنگ در منطقه جلوگیری کند. به نظر می‌رسد افزایش چانه‌زنی‌های سیاسی و پرستیژ قطر در منطقه به آینده جنگ و سرانجام آن بستگی دارد. در صورت تمکین اسرائیل به آتش‌بس و مبادله اسرا و کاهش تنش‌های امنیتی و سیاسی می‌توان تصور کرد که قطر با وجود دشواری‌های موجود (وسعت کم، جمعیت کم در قیاس مصر و عربستان) به متغییر اثرگذارتر در معادلات فلسطین تبدیل گردد ولی ادامه جنگ و تضعیف قدرت سیاسی و نظامی حماس به عنوان متحد نزدیک قطر در منطقه می‌تواند موقعیت قطر را در مقابل رقبای منطقه‌ای خود دشوارتر سازد. (احمدزاده peace-ipsc.org. مهر ۱۴۰۳)

### مقایسه عملکرد «الجزیره» و «العربیه» در قبال جنگ غزه

علت پوشش اخبار جنگ غزه و اتخاذ موضعی نزدیک به گروه‌های مقاومت در شبکه الجزیره به مفهوم حمایت از رویکرد مقاومت نیست بلکه به این علت است که حماس عضو شبکه جهانی اخوان المسلمین محسوب می‌شود که قطر به همراه ترکیه از آن حمایت و برعکس عربستان با آن مخالفت می‌کند. بررسی تطبیقی عملکرد شبکه الجزیره و العربیه در قبال جنگ غزه به خوبی تفاوت فاحش میان سیاست‌های دو کشور عربی قطر و سعودی که پس از وقوع بیداری اسلامی به رقبای سرسخت هم تبدیل شده‌اند، آشکار می‌کند. طبق این بررسی که به تاریخ سی ام تیرماه یعنی یک روز بعد از یکشنبه خونین (فاجعه الشجاعیه) و از مقایسه عناوین اخبار و گزارش‌های ارسالی آنها صورت گرفت، مشخص شد شبکه الجزیره تقریباً هیچ خبری را از نظر پنهان نگاه نمی‌دارد و

همه زوایای مربوط به جنگ را پوشش می‌دهد و به همین علت اخبار و گزارش‌های الجزیره با کثرت و تنوع همراه است و در خط رسانه‌ای و تبلیغاتی نیز در محور مقاومت گام برمی‌دارد. از این دید به نظر می‌رسد اصابت موشک اسرائیلی به نزدیک دفتر الجزیره در غزه کاملاً معنادار بوده و هشدار از سوی این رژیم محسوب می‌شود. اما در مقابل عملکرد شبکه العربیه کاملاً گزینشی بوده و برخلاف الجزیره از تنوع و کثرت خبری برخوردار نبوده است. از این رو العربیه برخی از اخبار مربوط به جنگ غزه را همانند الجزیره منعکس کرده و از کنار برخی دیگر به آرامی عبور کرده است. یکی از موارد مشترک در پوشش خبری هر دو شبکه تلویزیونی عربی رقیب، حملات رژیم صهیونیستی به منطقه شجاعیه در غزه است. از مقایسه اخبار و گزارش‌های ارسالی الجزیره و العربیه چند نکته قابل تشخیص است. نخست اینکه هر دو شبکه از رایزنی‌ها و نقش آفرینی‌های سازمان ملل به طور ضمنی استقبال کرده‌اند. دوم اینکه الجزیره محور رایزنی‌های خود را دولت متبوع خود یعنی قطر قرار داده و به برجسته سازی آن پرداخته اما در مقابل العربیه با برجسته سازی سفر جان کری به مصر کوشیده است نقش و جایگاه مصر را در این زمینه برجسته سازد و این نشان می‌دهد که کشاکش قطر و عربستان در قبال دولت مصر کماکان ادامه دارد. از دیگر سو مواردی هم بوده که العربیه برخلاف الجزیره به آرامی از کنار آن عبور کرده است. از جمله این موارد می‌توان به قابلیت پدافند موشکی حماس و اعتراضات روز افزون به جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه اشاره کرد.

امتناع العربیه از انعکاس اخبار مربوط به قابلیت پدافند موشکی حماس و همچنین موج اعتراضات گسترده جهانی به جنایات رژیم صهیونیستی از تمایل دولت سعودی در این موارد پرده بر می‌دارد که هم با تقویت توان گروه‌های مقاومت و بخصوص استفاده آنها از تجارب حزب الله در جنگ ۳۳ روزه مخالف است و هم اینکه از کشیده شدن موج اعتراضات به کشورهای عربی از جمله خود عربستان نگران است و لذا اخبار مربوط به تظاهرات همبستگی با مردم غزه را سانسور کرده است. علت پوشش اخبار جنگ غزه و اتخاذ موضعی نزدیک به گروه‌های مقاومت در شبکه الجزیره به مفهوم حمایت الجزیره و دولت متبوع آن از رویکرد مقاومت در برابر رویکرد سازش برای آزادی فلسطین نیست بلکه به این علت است که حماس عضو شبکه جهانی اخوان المسلمین است که قطر به همراه ترکیه از آن حمایت و برعکس عربستان با آن مخالفت می‌کند که این اختلافات به نوعی در رویکرد شبکه‌های الجزیره و العربیه در قبال جنگ غزه نیز متجلی شده است. (تابناک ۱۴۰۳/۴/۳۱)

## نتیجه‌گیری

با نگاهی به پوشش رسانه‌ای غرب از این رویدادها، تفاوت فاحش و غم‌انگیزی بین نحوه نگاه به فلسطینیان و صهیونیست‌ها وجود دارد. بسیاری از رسانه‌های غربی نگاهی متفاوت درباره کشتار غیراخلاقی و بی‌رویه ارتش رژیم صهیونیستی علیه غیرنظامیان فلسطینی با بمباران نوار غزه دارند. تعداد کمی از رسانه‌های غربی به خود زحمت داده‌اند که بپرسند چگونه بیش از ۲,۲ میلیون نفر در یک باریکه کوچک جمع شده‌اند یا درباره محاصره ۱۶ ساله که این منطقه را به زندانی روباز تبدیل کرده است، بحث کنند. این نارسایی‌ها و تحریف‌ها در پوشش رسانه‌ای جنگ غزه نشان‌دهنده واقعیتی است که اغلب با ادعاهای «عینیت روزنامه‌نگاری» مبهم می‌شود. حقیقت این است که صلاح‌دید روزنامه‌نگاران غربی در مورد آنچه برای انتشار مناسب است هرگز مطلق نبوده و همیشه با ارزش‌ها و فرهنگ جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند محدود شده است.

گزارشی از سوی الجزیره حاکی از آن است که سردبیران اتاق‌های خبری آمریکایی از هرگونه تلاش برای ارائه زمینه‌های عملیات مقاومت فلسطین جلوگیری می‌کنند، زیرا برای آن‌ها ناخوشایند است. با این حال، سانسور توضیح کافی نیست؛ روزنامه‌نگاری نمی‌تواند خیلی از جامعه عقب بماند، اخلاق روزنامه‌نگاری و اصول اخلاقی و ارزش‌هایی که به آن‌ها اطلاع می‌دهد، تنها متعلق به روزنامه‌نگاران نیست بلکه بازتاب انتظارات جامعه از رسانه‌ها هستند. اسلام‌هراسی در غرب هرگز به یک شکل مورد انتقاد قرار نگرفت؛ در چند دهه گذشته، جنگ با تروریسم به سرکردگی آمریکا، که رژیم صهیونیستی از آن برای تنظیم درگیری خود با فلسطینی‌ها استفاده کرده، بیشتر تقویت شده است. گزارش‌های رسانه‌های غربی منعکس‌کننده این محاسبات هولناک فرهنگی است؛ تقاضای یک‌جانبه برای محکوم کردن، فردی‌سازی در کنار نمایش تراژدی فلسطینی به زبانی منفعلانه و آن‌گونه که توده‌های متمایز نشده از آن رنج می‌برند.

هرگونه بحث معناداری در مورد این درگیری باید اشغال، سلب مالکیت و خشونت سیستماتیک را که فلسطینی‌ها متحمل شده‌اند، در طول دهه‌ها به رسمیت بشناسد. عدم پرداختن به هرگونه زمینه گسترده‌تر با تحقیقات شانتو اینگار همسو است، که استدلال می‌کرد رسانه‌های خبری اغلب رویدادها را به صورت پراکنده و با تمرکز بر رویدادهای منفرد به جای پیوند دادن آنها به پیشینه زمینه‌ای‌شان، قاب‌بندی می‌کنند. بنابراین، پوشش رسانه‌ای از اقدامات تروریستی فردی عمده‌تاً پراکنده است و رویدادهای خاص را بدون پیوند دادن آنها به پویایی‌های اساسی سیاسی و تاریخی برجسته می‌کند. علاوه بر این، اینگار رسانه‌ها را متهم کرد که با قاب‌بندی اخبار به عنوان «زمینه‌ای بدون زمینه» (اینگار، ۱۹۹۱: ۲-۱۴)، هرگونه انتقاد از صاحبان قدرت را به

طور سیستماتیک منحرف می‌کنند. زمینه‌زدایی و پاکسازی از جمله کاستی‌های کلیدی در پوشش غربی از درگیری اسرائیل و فلسطین است. در آوریل ۲۰۲۴، نشریه اینترسپت وجود یادداشتی از نیویورک تایمز را فاش کرد که دستورالعمل‌های سرمقاله در مورد جنگ اسرائیل علیه غزه را تشریح می‌کرد. به خبرنگاران توصیه شد که از اصطلاحات خاصی مانند «اردوگاه پناهندگان»، «فلسطین» و «اشغال» اجتناب کنند. وقتی از «اردوگاه پناهندگان» نام برده می‌شود، آن را به عنوان «مکانی که آوارگان به آنجا رفته‌اند» یا «مدرسه سابق سازمان ملل» توصیف می‌کنند و بدین ترتیب نحوه ایجاد این مکان‌ها را مبهم می‌کنند. اجتناب از اصطلاحاتی مانند «اشغال» ریشه علت را مسدود می‌کند.

از زمان آغاز حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر و آغاز انتقام ویرانگر ارتش اسرائیل، تیترو روزنامه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی در سراسر خاورمیانه پر از اخبار غزه بوده است. با این حال، به نظر می‌رسد نحوه شکل‌گیری جنگ و روایت‌های اتخاذ شده، به همان اندازه که منعکس‌کننده واقعیت وحشتناک آنچه در غزه و کرانه باختری اتفاق می‌افتد، منعکس‌کننده منافع سیاسی داخلی و حساسیت‌های اجتماعی در هر کشور است. در عربستان سعودی، رسانه‌ها همبستگی قاطع خود را با فلسطینی‌ها نشان داده‌اند، در عین حال عادی‌سازی روابط با اسرائیل را به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای صلح منطقه‌ای مطرح می‌کنند. در مصر، رسانه‌هایی که از عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر، و مخالفانش حمایت می‌کنند، به طور متناوب به دنبال استفاده از جنگ به عنوان بستری برای نمایش قدرت السیسی یا آشکار کردن بی‌کفایتی او بوده‌اند. در لبنان، جایی که نیروهای حزب‌الله و اسرائیل بیش از دو ماه است که در مرز با یکدیگر درگیر هستند، نگرانی‌ها از تشدید جنگ تمام‌عیار به تدریج با بحران‌های اقتصادی و سیاسی خود کشور جایگزین شده است. در یمن، حوثی‌ها با شلیک موشک و پهپاد به اسرائیل و تهدید شریان تجارت جهانی دریای سرخ، از راه دور به دنبال حمایت از غزه بوده‌اند و با این کار، کشور تکه‌تکه شده خود را در همبستگی با فلسطین متحد کرده‌اند. در تهران، که هم از حزب‌الله و هم از حوثی‌ها حمایت می‌کند، رسانه‌های محافظه‌کار و اصلاح‌طلب بر سر اینکه آیا ایران باید وارد جنگ شود یا خیر، در حال رقابت هستند، در حالی که اینفلوئنسرهای رسانه‌های اجتماعی ضد رژیم ادعا می‌کنند که نابودی حماس به دست اسرائیل فقط می‌تواند به نفع سرزمین مادری آنها باشد. در نشریه زیر، ARI از طریق نظرات کارشناسان هر کشور، که هم در تفسیرها و هم در پرسش و پاسخ‌ها ارائه شده‌اند، به منطقه سفر می‌کند تا روایت‌های رسانه‌ای متعددی را که در مورد جنگ غزه ساخته و پرداخته می‌شود، بررسی کند.

## منابع فارسی

- افتخاری اصغر (۱۳۸۱)، جامعه شناسی سیاسی اسرائیل، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه
- اون دیل ریچی (۱۳۷۶)، ریشه‌های جنگ‌های اعراب و اسرائیل، ترجمه آذری، تهران، انتشارات امیرکبیر
- استوارت ام هوور، نات لاندی بای، (۱۳۸۲)، رسانه دین و فرهنگ، ترجمه: مسعود آریایی نیا، تهران، نشر سروش
- بیات، داود (۱۳۹۰)، تأثیر تهدیدهای نرم سیاسی و فرهنگی قدرت‌های بزرگ بر امنیت ملی ج.ا.ایران (بین سال‌های ۶۸-۸۹)، پایان نامه دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران
- تامپسون، جان (۱۳۸۰)، رسانه‌ها و مدرنیته، نظریه اجتماعی رسانه‌ها، ترجمه مسعود اوحدی، تهران: نشر سروش
- حیاتی، سعید (۱۳۹۰)، قدرت نرم خاورمیانه و انقلاب اسلامی، تهران: نشر قومس
- سید جوادی، علی اصغر (۱۳۵۸)، اعراب و اسرائیل، تهران: ناشر: رواق - جاویدان
- محمدرضا تخشید، فریبرز ارغوانی (۱۳۸۹)، رویکرد تئوریک بر ماهیت و ابعاد راهبردهای امنیتی اروپا در ساختار نظم تک قطبی، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۵، شماره ۳، تابستان
- علی نصیری، حسین (۱۳۹۱)، بررسی میزان موفقیت ایالات متحده در راستای استفاده از قدرت نرم در خاورمیانه (در راستای مهار جمهوری اسلامی ایران بین سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۴)، پایان نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران
- فلاح‌نژاد، علی (۱۳۹۰)، سیاست خارجی امریکا پس از ۱۱ سپتامبر، پایگاه اینترنتی راسخون
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت
- فیسک، جان، (۱۳۸۵) مفاهیم کلیدی ارتباطات، ترجمه: میر حسین رییس زاده، تهران: فصل
- کاهش وابستگی به روسیه، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، تابستان ۱۳۹۱، شماره ۳۰
- کاستلز، آمانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات، قدرت هویت، حسن چاووشیان، تهران، نشر نو
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۳)، هویت و سیاست خارجی دولت‌ها، فصلنامه سیاست خارجی بهار
- ودریار، ژان (۱۳۸۱)، در سایه اکثریت‌های خاموش، ترجمه: پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز
- سایت‌ها و خبرگزاری‌ها، خبرآنلاین، دیپلماسی ایرانی، فرارو، اعتماد، شرق، دیدبان و...

### English Resources

- Elbassoussy, A. ( 2019, October 14 ), Retrieved from European energy security dilemma:major challenges and confrontation strategies:<https://www.emerald.com>
- Energy charter treaty”. Available at: <http://www.encharter.org/index.php?id=178> (accessed on 11.march 2012) hreat: <https://www.cnbc.com/2019/12/16/ukraine-and-russia-look-to-strike-gas-transit-deal.html>
- Hedenskog, Jacob , Larsson, Robert L. (2007) Russian leverage on the CIS and the Baltic states (Stockholm: Swedish defense research agency, 2007), 44 Medgaz. Available on: [http://www.medgaz.com/medgaz/pages/claves\\_intro-eng.htm](http://www.medgaz.com/medgaz/pages/claves_intro-eng.htm). (accessed on 17.May 2012)
- International Political Economy: A Reader, New York: Oxford University Press 2012, Trends Defense European), 2012 (Others and. J David, Berteau.-Studies Security for Institute Union European), 2009-1999 (Years Ten First External and Constrains Internal between CSDP), 2013 (Eva, Gross- Studi Security for Institute EU, Challenges